

### نگاه

## نگاهی به فلسفه سیاسی نیکولو ماکیاولی و واقعیت مؤثر در سیاست خارجی

### نیماعظمی

بی‌گمان اندیشه‌های ماکیاولی را باید از مؤثرترین و شاید مؤثرترین عامل در «گذاردن سنگ بنای حکومت ملی» در اروپا دانست.
ن‌ام ماکیاولی و ننگ ماکیاولی، هر دو در بستری شکل گرفته که او جسورانه به «دفاع از امر ملی» برخاست. کتاب «شهریار» او به ادعان مخالفان و موافقانن، مهم‌ترین اثر اوست که در سال ۱۵۵۹ خواندن این کتاب از سوی کلیسای پاپ بر مؤمنان ممنوع اعلام شد.
مفشان عقاید نیز حکم به نابودی همه آثار ماکیاولی دادند و «شورای ترنت» که جهت دفاع از کلیسای کاتولیک در برابر منتقدان برگزار می‌شد، این حکم را تأیید کرد. از همین‌رو در آغاز قرن هفدهم فرقه‌های مذهبی، ماکیاولی را یکی از منفورترین ناموران تاریخ اندیشه در اروپا دانسته و کوشیدند تا این نفرت را تبلیغ کنند.
اما چنانچه از این فضای بسته و تریک که حاملان و وارثان فرهنگ قرون‌وسطایی پیشتاز آن محسوب می‌شوند، عبورکنیم، اروپاییان پس از چند سال با روی آوردن به آیین ناسیونالیستی (ملت‌پرستی– ملی‌گرایی)، خود را از جریمت‌های کلیسایی رها کردند. دولت–ملت‌های اروپایی که از زیر سایه سنگین نقیشتش‌های مذهب‌ی ره‌لای یافته بودند، باری دیگر آثار نیکولو ماکیاولی را در ترازوی دآوری برداشتند و دریافتند که اندیشه ماکیاولی را نه از سترز جریمت‌های کلیسا و شورای ترنت، بلکه از بستر تأمل در آثارش باید دریافت کرد؛ تا جایی که در قرن نوزدهم او در زمره متفکران بزرگ سیاسی غرب، جایگاهی استوار یافت.
اما آنچه تا حدود زیادی ماکیاولی را از آن اتهامات بدنامی رها‌ند، پیش از آنکه ارزش علمی کتایش «شهریار» باشد، «دلبستگی او به میهن‌پرستی و ملی‌گرایی» بود؛ تا‌جایی که «وقتی ایتالیاییان در نیمه دوم قرن نوزدهم به کوشش در راه یکانگی ملی برخاستند، نه همان آثارش را از هرگونه منعی آزاد کردند، بلکه او را به پایه قدیس برکشیدند؛ و در سال ۱۸۶۹ چهارصدمین سال تولد او را جشن گرفتند و روی لوح‌های که بر فراز گوش نصب کردند، نوشتند نامی چنین بزرگ را هیچ ستایشی پس نیست».
ماکیاولی در امر سیاسی، از ینداریافتی‌های افلاطونی و نگاه‌های فراطبیعی و حالات مایلیخویلیایی به دور است؛ او با واقع‌بینی سیاسی در بی‌چاره‌جویی برای مشکلات میهنش می‌کوشد. هرچند از دیدگاه نگارنده این سطور، افلاطون نیز در نهایت –خو‌استه یا ناخو‌استه– در برابر امر واقع سیاسی تسلیم شد. بیزاری و دوری او از سیاست و تشکیل ادعای فلسفی توسط او، نشان‌دهنده زانوزدن افلاطون و اتوپوایی (آرمان‌شهر) او در برابر واقعیت مؤثر در امر سیاسی و مملکت‌داری بود.
باری! باری! آنچه در میدان سیاست برای ماکیاول اولویت اصلی را دارد، تأمین منافع ملی و دوری از هرگونه توهم فراطبیعی است.

**نام و ننگ ماکیاولی و سیاست خارجی در عصر حاضر**

نویسنده فرانسوی «پیر مولر» تعریفی کوتاه اما بسیار شیوا از «سیاست‌گذاری» دارد که می‌گوید:سیاست‌گذاری یعنی «علم دولت و علم عمل».
بنابراین «سیاست‌گذاری» تأثیری انکار‌نشده در تاروپود زندگی شهروندان یک سرزمین دارد.
هدف اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، «تأمین منافع ملی» است. در بین دولت‌مردان ایرانی که به چنین بلوغی در سیاست رسیده بودند، می‌توان از «قائم‌مقام فراهانی» یاد کرد که با اشاره به جمله مشهور ماکیاولی می‌گوید: «باید به هر شکلی از کشور دفاع کرد، به مردی یا نامردی».
فیلسوف سیاسی ایران، «سیدجواد طباطبایی»، درباره او می‌گوید: «وی می‌گوید از کشور باید دفاع کرد، همان‌طور که ماکیاولی می‌گوید، به نام یا به ننگ باید از کشور دفاع کرد».
طباطبایی همچنین با اشاره به تلاش‌های قائم‌مقام فراهانی در ایسن زمین، در مورد او این مطلب کلیدی و مهم را می‌گوید: «در نامه‌های متعدد که می‌نویسد و وقتی که کسانی را برای مذاکره به روسیه می‌فرستد، در آنجا رهنمودهای بسیار مهمی را عرضه می‌کند. اولاً کسانی را که انتخاب می‌کند به آنها می‌گوید که «تو الان نماینده مصلحت این کشوری» و باید این را بدانی که باید از «منافع ملی ایران»- به هر شکلی و طریقی- دفاع کنی».
و در ادامه نیز می‌نویسد: «شما نماینده ما هستید که از منافع ما دفاع کنید. اما اگر دیدید که نمی‌توانید، باید بگویید که ما اختیار نداریم و به نوعی از زیر بار نوشتن عهدنامه فرار کنید. در جریان نوشتن عهدنامه محمد صادق وقایع‌نگار می‌گوید اگر دیدید که کار پیش نمی‌رود و منافع ما را تأمین نمی‌کند و ناچارید که آن عهدنامه را بنویسید، «به زور می‌زالی جملات دوپهلو بنویسید» تا بعداً بشود از آنها به نفع خودمان استفاده کنیم (غیر گفته سیدجواد طباطبایی؛ طوری بنویسید که بعداً اگر نیاز شد، بتوانیم دبه کنیم) و می‌گوید تا می‌توانید سرشان را کلاه بگذارید».
سیدجواد طباطبایی در ادامه و در همین راستا می‌افزاید: «موضوع سیاست، حفظ منافع ملی و موجودیت یک کشور است، و لاغیر!».
کوتاه سخن اینکه واقعیت استاندارد میدان دیپلماسی در رقابت بین دولت‌مردان همه ممالک جهان، از سده‌های پیش -و به‌طور ویژه در عصر حاضر- چنین است که «نامردی در سیاست خارجی را باید عبر مردانگی دانست»؛ چراکه این مفاهیم «صرفاً و یکسره در جایگاه سیاسی خود» ارزشمند هستند و معنا دارند و نه در جای دیگر. از همین‌رو است که باید هر بازگویی درک کند «نماینده مصلحت یک کشور است».
هم او باید درک کند که اصولاً قاعده بازی در این میدان، جُز این نیست؛ چه به نام، چه به ننگ!

**افقی:**

۱- نوعی عفونت ویروسی با ایجاد دانه‌های صورتی‌رنگ در پوست- تابلوی نقاشی زیبایی اثر سهراب سپهری
۲- پایان‌نامه- از اعتبار افتاده- نوبت به نوبت ۳- نام پلی در صفهان- هم آره هم نه- چهار من تبریز ۴- زوال‌پذیر- ساز موسیقی افغانستان- از تیم‌های فوتبال لیگ یک فرانسه ۵- ذکر جزئیات مطلبی- درستی عقیده- پستاندار اقیانوسی ۶- آبیار- اعمال انعکاسی- آبره کوچک ۷- روشن و تابناک- پرده‌داری خانه کعبه- قومی ایرانی ۸- شهرستانی در استان اصفهان- از باشگاه‌های فوتبال ایتالیا ۹- حرف همراهی عرب- چاهک کف حوض- بیخ ۱۰- واحد شمارش انسان- پرند‌ه شکاری- صمغ برخی درختان ۱۱- خوردنی شیرین صبحانه- کلام مصیبت- واحد اندازه‌گیری توان الکتریکی ۱۲- سرکوفت- لطافت- چارچوب ۱۳- چه وقت- آبرو و اعتبار- معبد بت‌پرستان ۱۴- معادل فارسی وسایت- فیلمی دیدنی به کارگردانی ویلیام وایلبر- غوزه پنبه ۱۵- از جاذبه‌های گردشگری ارومیه که بنایی آرامگاهی با معماری سلجوقی است- مسابقه پایانی

**عمودی:**

۱- یک دور بازی تیس- ییلاقی در شرق تهران- به آهستگی- کتاب‌های عربی ۲- گیاهی همیشه‌سبز که برگ‌های آن به‌عنوان ادویه مصرف می‌شود- برادر امام علی(ع) و ملقب به ذوالجناحین ۳- کج‌روی- یک چهارم- ردیف ۴- غیراختیاری- شهری در شهرستان رفسنجان- فیلم کوتاه تبلیغی ۵- کلمه هشار- یکی از سه گروه مهم گیاهان زراعی- هجوم ۶- سوره هشتادوششم قرآن- راه باریک و سروپنیده- دانه‌نهار ۷- توده انباشته‌شده از چیزی- تونل

# نبردی پس از دیگری

## آیا محکومیم ادامه زخم‌های خود باشیم؟

### سامان صفرزائی

گاهی جامعه با یک شکست از یا نمی‌افتد و توان سیاسی او بیشتر با تکرار شکست‌هایی تحلیل می‌رود که هنوز صورت‌بندی نشده‌اند و پیش از آنکه به تجربه‌ای برای عمل جمعی تبدیل شوند، بحران بعدی از راه می‌رسد و امکان دآوری آرام را از میان می‌برد. از دی ۹۶ تا آبان ۹۸ و از حوادث ۱۴۰۱ تا دی ۱۴۰۴ ایران فقط چند رخداد جداگانه را پشت سر نگذاشته است؛ در این فاصله، رابطه جامعه با سیاست فرسوده شده است. هفتم اکتبر یک موضوع داخلی را به میدان منطقه‌ای کشاند و حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری در مجاورت سفارت ایران در دمشق، آغاز خروج جنگ ایران و اسرائیل از سایه بود. پس از آن، وعده صادق ۱ و پاسخ اسرائیل و سپس وعده صادق ۲ و پاسخ دوم اسرائیل و بازگشت ترامپ و انسجام قرارگرفتن ایران در برابر جنگی هم‌زمان با اسرائیل و آمریکا، آینده را از موضوعی سیاسی به مسئله‌ای امنیتی تبدیل کرد. جامعه‌ای که در انتظار نبردهای بعدی زندگی می‌کند، کمتر از ساختن می‌پردس و بیشتر می‌پرد چه چیزی هنوز فروپاشیده است. خطر اصلی این است که ایران در چرخ‌های امتد از درگیری و اضطراب گرفتار شود و سیاست در این چرخه دیگر به معنای اصلاح و سازماندهی و آغاز دوباره فهمیده نشود و بیشتر به توان تحمل‌کردن وضعیت موجود تقلیل پیدا کند. در چنین وضعی حتی امید نیز مسئله‌دار می‌شود؛ زیرا امید اگر فقط به معنای دعوت مردم به صبر بیشتر باشد، نهایتاً نیرویی سیاسی تولید نمی‌کند، بلکه می‌تواند به شکلی از بی‌اعتنایی به رنج واقعی جامعه تبدیل شود.

### امید به‌مثابه‌کاربرزمان

بیرگان کوکمن‌اوغلو و گابریلا منلی در مقاله‌های با عنوان «امید و کار بر زمان در وضعیت‌های ویران‌شهری» که در سال ۲۰۲۳ در نشریه «زمان و جامعه» منتشر شد، امید را از معنای رایج و ضعیف آن جدا می‌کنند و آن را در متن شکست سیاسی و آسیب‌پذیری سازمانی و بسته‌شدن چشم‌اندازهای نزدیک بررسی می‌کنند. پرسش آنان این نیست که انسان‌ها در روزهای عادی چگونه امیدوار می‌مانند، مسئله دشوارتر این است که کنشگران سیاسی پس از شکست و پس از پراکندگی نیروها و پس از ازدست‌رفتن امکان پیروزی نزدیک چگونه هنوز می‌توانند عمل کنند و آینده را تمام‌شده تصور نکنند؟ در این مقاله امید نه آرام‌بخشی روانی است و نه خوش‌بینی و نه چشم‌بستن بر شکست؛ امید منبعی سیاسی است که در جریان مبارزه ساخته می‌شود و به کنشگران امکان می‌دهد حتی در موقعیتی که همه چیز به سوی پایان یافتن می‌رود، همچنان آینده را باز نگه دارند. در بخش مربوط به استانبول، نویسندگان به سراغ کنشگران ضد اقتدارگرای جامع

بحران امروز صدواسیما صرفا بحران مدیریت نیست؛ بحران

«فهم جامعه» است. رسانه‌ای که روزگاری مهم‌ترین مرجع روایت، فرهنگ و گفت‌وگوی عمومی در کشور بود، امروز با بخش بزرگی از جامعه -به‌ویژه نسل جوان- فاصله پیدا کرده است. به همین دلیل، بحث تغییر در رأس این سازمان نباید صرفا به جابه‌جایی افراد تقلیل پیدا کند؛ مسئله اصلی، تغییر در نوع نگاه به رسانه است. بحران رسانه در هر کشوری، فقط بحران تلویزیون نیست؛ بحران اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی است. در شرایطی که جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند ترمیم سرمایه اجتماعی، تقویت حس تعلق ملی و بازسازی وفاق عمومی است، رسانه ملی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده ایفا کند. اما تحقق این هدف، بدون بازگشت صدواسیما به متن جامعه ممکن نخواهد بود. امروز صدواسیما بیش از یک مدیر سیاسی، به یک «مترجم جامعه» نیاز دارد. در میان ماه‌هایی که گاه برای مدیریت این سازمان مطرح می‌شوند، احمد مسجدجامعی از معدود چهره‌هایی است که می‌تواند نماد چنین تغییری باشد؛ نه صرفا به دلیل سوابق اجرایی خود، بلکه به دلیل نوع نگاه فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای‌اش. البته مسئله، شخص‌محوری نیست؛ روشن است که مشکلات صدواسیما عمیق‌تر و ساختاری‌تر از آن است که صرفا با تغییر یک مدیر حل شود. مدیریت رسانه ملی نیازمند ترکیبی از توان اجرایی، شناخت حاکمیتی و فهم فرهنگی است و هیچ فردی به‌تنهایی معجزه نخواهد کرد. اما انتخاب مدیر می‌تواند نشانه‌ای مهم از مسیر آینده این سازمان باشد. مسجدجامعی را بیش از آنکه یک سیاست‌مدار صرف بدانیم، باید

یک چهره فرهنگی و اجتماعی دانست.

او سال‌ها در حوزه فرهنگ، کتاب، رسانه، هنر و مسائل اجتماعی فعالیت کرده و بخش مهمی از تجربه‌اش نه در فضای بسته اداری، بلکه در متن جامعه شکل گرفته است. در دوره‌ای که بسیاری از مدیران از زندگی واقعی مردم فاصله گرفته‌اند، هنوز هم تصویری که از مسجدجامعی در ذهن افکار عمومی وجود دارد، مدبری است که در مترو، اتوبوس، کتاب‌فروشی، سینما و میان مردم دیده می‌شود. شاید این مسئله در ظاهر، نمادین به نظر برسد، ولی حقیقت آن است که رسانه ملی دقیقا از همین نقطه آسیب دیده است؛ فاصله‌گرفتن از زندگی واقعی جامعه. رسانه ملی را نمی‌توان بدون شناخت زندگی روزمره مردم اداره کرد. یکی از مشکلات سال‌های اخیر صدواسیما، غلبه نگاه صرفا سیاسی بر نگاه فرهنگی بوده است. همین مسئله باعث شده رسانه‌ای که باید محل گفت‌وگوی ملی باشد، در مقاطعی به رسانه‌ای با یک قرائت محدود تبدیل شود. طبیعی است که در چنین شرایطی، بخشی از جامعه احساس

محلی «نه» می‌روند که درباره همه‌پرسی قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷ شکل گرفته بودند. آن همه‌پرسی قرار بود تغییراتی را به رای بگذارد که به تعبیر مقاله، اقتدارگرایی را در ساختار حقوقی و سیاسی کشور تثبیت می‌کرد. رای «آری» در شرایطی پیروز شد که کنشگران مخالف از وضعیت اضطراری و محدودیت آزادی‌های مدنی و امکان تقلب و بی‌عدالتی انتخاباتی سخن می‌گفتند و انتخابات ۲۰۱۸ نیز با پیروزی دوباره اردوغان و تقویت ائتلاف او با نیروهای ملی‌گرای راست همراه شد. برای کنشگران «نه»، این شکست فقط شکست یک کارزار انتخاباتی نبود و بیشتر به معنای ورود به زمانی بود که در آن آینده‌ای که از آن بیم داشتند، دیگر در پیش‌رو قرار نداشت و به وضع موجود تبدیل شده بود. نویسندگان نشان می‌دهند واکنش کنشگران به این شکست فقط آندوه با خشم نبود و مسئله به تغییر شیوه فهم زمان مربوط می‌شد. پیش از همه‌پرسی، سیاست هنوز با انتظار رویداد و امکان تغییر نزدیک و نگرانی از آینده‌ای تیره همراه می‌شد، اما پس از شکست، این زمان فشرده و برحاده‌ته جای خود را به افقی کشیده‌ته داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید اکنون شکست خورده‌ایم و باید از نو و آرام‌آرام و از پایین جنبشی بسازیم. معنای اصلی مقاله در همین جمله آشکار می‌شود؛ زیرا امید پس از شکست از وعده پیروزی فوری نمی‌آید و بیشتر از توانایی قرار دادن شکست در زمانی طولانی‌تر پدیدار می‌شود. کوکمن‌اوغلو و منلی این فرایند را «کار بر زمان» می‌نامند. مقصود آنان این است که کنشگران برای حفظ امکان سیاست باید نسبت خود را با گذشته، اکنون و آینده بازسازی کنند و گذشته را فقط خاطره‌ای شکست‌خورده بینند و اکنون را پایان قطعی امکان‌ها تلقی نکنند و آینده را هرچند دور و نامطمئن، همچنان محل امکان تحول بدانند. در استانبول این کار از راه نوعی جای‌گیری تاریخی انجام شد. کنشگران خود را در تاریخی بلندتر از مبارزه قرار می‌دادند و این تاریخ از شکست‌ها، عقب‌نشینی‌ها و پراکندگی نیروها عبور می‌کرد، بدون آنکه خود مبارزه را پایان یافته بدانند. آنان از چرخه‌ها، افتخا، آرمان‌ها و تداوم زندگی و ادامه‌داشتن نبرد سخن می‌گفتند و این سخنان عبارت‌هایی تزیینی نبود، بلکه شیوه‌ای برای مقابله با آن منطق آخرالزمانی بود که شکست را پایان همه امکان‌ها معرفی می‌کند. اهمیت دیگر مقاله در این است که امید در سطح گفتار باقی نمی‌ماند. نویسندگان نشان می‌دهند که پس از فروپاشی مجامع محلی «نه»، بخشی از کنشگران به سمت شکل‌های کوچک‌تر و روزمره‌تر فعالیت رفتند و در تعارفی‌های غذایی و جمع‌های محلی و گروه‌های ورزشی بدیل و باغیاتی شهری و شبکه‌هایی حضور یافتند که شاید جای سیاست بزرگ را نمی‌گرفتند، اما پیوندها را حفظ می‌کردند. امید در اینجا تصویر بزرگ و باشکوهی از پیروزی نیست. امید

## نقش احمد مسجدجامعی در یک تغییر رویکرد

# آیا رسانه ملی به بلوغ فرهنگی می‌رسد



مه‌ران امیرحسینی

مدرس‌دانشگاه

کند سهمی در این رسانه ندارد. جامعه امروز دیگر با رسانه‌های خطابه‌ای و یک‌سویه افتاح نمی‌شود. نسل جدید انتخاب‌های متعددی دارد؛ روایت‌های مختلف را هم‌زمان می‌بیند، مقایسه می‌کند و به‌سادگی روایت رسمی را نمی‌پذیرد. عصر رسانه‌های یک‌طرفه به پایان رسیده است. رسانه‌ای که مردم را قانع نکند، ناگزیر مردم را از دست خواهد داد. به همین دلیل، مدیریت صدواسیما در دوره جدید بیش از هر زمان دیگری نیازمند فهم رسانه‌های نوین، شناخت تحولات اجتماعی و درک زبان نسل جدید است. رسانه ملی اگر می‌خواهد دوباره اثرگذار شود، باید از موضع سخن‌گفتن «برای مردم» به سمت سخن‌گفتن «با مردم» حرکت کند. در این میان، یکی از ویژگی‌های مهم مسجدجامعی، نگاه غیرحزبی او به فرهنگ است. او طی سال‌ها فعالیت خود نشان داده که به تکثر فرهنگی و اجتماعی باور دارد و فرهنگ را محدود به یک روایت یا سلیقه خاص نمی‌بیند. همین ویژگی، برای سازمانی که سال‌هاست به تک‌صدایی و محدودشدن به یک جریان خاص

### سودوکو سخت ۴۳۲۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

### سودوکو ساده ۴۳۲۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.



توان ماندن در رابطه و ساختن شبکه و حفظ باهم‌بودن در زمانی است که سازمان‌های بزرگ از هم پاشیده‌اند. از نظر نویسندگان، امید در وضعیت ویران‌شهری، انکار ویرانی نیست و بیشتر به معنای کار جمعی بر زمان است؛ یعنی ساختن روایت‌ها و عمل‌هایی که اجازه ندهند اکنون تیره خود را به‌عنوان سرنوشته نهایی جا بزند.

### هیچ جامعه‌ای محکوم نیست ادامه زخم‌های خود باشد

ایده هانا آرتز در «وضع بشر» نیز برای این بحث اهمیت دارد؛ زیرا سیاست را به مدیریت اضطراب فرو نمی‌کاهد و در فصل کنش، آنجا که از گفتار، عمل، کثرت و آغاز سخن می‌گوید، نشان می‌دهد انسان سیاسی فقط موجودی نیست که باید زنده بماند، بلکه موجودی است که باید بتواند در میان دیگران ظاهر شود و با عمل خود در ساختن جهانی مشترک مشارکت کند. جمله مشهور او که «با گفتار و کردار خود را در جهان انسانی وارد می‌کنیم»، بر همین معنا دلالت دارد. جنگ و وضعیت اضطراری این امکان را عقب می‌رانند و جامعه‌ای را که باید بتواند دآوری کند و اختلاف خود را بیان کند و درباره آینده تصمیم بگیرد، به سطح انتظار، ترس و حفظ جان تقلیل می‌دهند. در چنین وضعی شهروند کمتر به‌عنوان عضو عرصه عمومی دیده می‌شود و بیشتر به فردی در دل‌پراهی دامن‌ی بدل می‌شود که باید خطر بعدی را تاب بیاورد. خطر جنگ فقط ویرانی تأسیسات و زیرساخت‌ها نیست؛ جنگ آن قلمرویی را نیز تضعیف می‌کند که در آن انسان‌ها می‌توانند به‌عنوان شهروند ظاهر شوند. آرتز می‌نویسد: «کثرت شرط کنش انسان است» و همین کثرت در وضعیت اضطراری زودتر از بسیاری چیزها آسیب می‌بیند؛ زیرا همه چیز به نام امنیت و ضرورت به سوی صدایی واحد رانده می‌شود. دموکراسی درست از جایی آغاز می‌شود که جامعه اجازه ندهد تفاوت‌ها و امکان آغاز به نام بحران تعلیق شود. معنای سیاسی ایده «آغازمندی» آرتز این است که هیچ جامعه‌ای محکوم نیست ادامه زخم‌های خود باشد و حتی جامعه‌ای خسته اگر دوباره بتواند عمل کند، می‌تواند چیزی تازه را آغاز کند.

### دموکراسی خواهان چگونه باید به باخیزند

بر این اساس، به یا خاستن نیروهای روشنفکری و دموکراسی خواه را نباید در صدور فراخوان‌های کلی یا تکرار ادبیات شکست جست‌وجو کرد. تجربه استانبول در مقاله کوکمن‌اوغلو و منلی نشان می‌دهد کنش سیاسی پس از شکست زمانی امکان بازگشت پیدا می‌کند که کنشگران شکست را پایان قطعی میدان سیاست تلقی نکنند و آن را در افقی بلندتر قرار دهند.

متمم می‌شود، می‌تواند یک فرصت مهم باشد. رسانه ملی زمانی

اثرگذار می‌شود که به‌جای تکرار مواضع رسمی، بتواند فرهنگ، امید، گفت‌وگو و احساس تعلق ملی تولید کند. در تجربه بسیاری از رسانه‌های معتبر ملی در جهان نیز موفقیت زمانی حاصل شده که رسانه توانسته فراتر از مرزبندی‌های سیاسی، حس تعلق عمومی ایجاد کند. رسانه ملی زمانی دوباره ملی می‌شود که مردم، خودشان را در آن ببینند، نه آنکه احساس کنند صرفا مخاطب یک روایت از پیش تعیین‌شده هستند. در کنار این مسائل، کارنامه فرهنگی مسجدجامعی نیز شایان توجه است. او در دوره مسئولیت خود در حوزه فرهنگ، همواره تلاش کرده میان هویت ملی و هویت دینی نوعی توازن برقرار کند. در نگاه او، ایرانیت و اسلامیت نه در تقابل، بلکه در امتداد یکدیگر تعریف می‌شوند؛ نگاهی که در شرایط امروز جامعه ایران، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. جامعه ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگوی ملی نیاز دارد و رسانه ملی می‌تواند بستر این گفت‌وگو باشد، نه مانع آن. صدواسیما امروز بیش از هر چیز نیازمند ترمیم رابطه خود با مردم است. این ترمیم فقط با تغییر دکور، افزایش بودجه یا تحول فنی اتفاق نمی‌افتد، بلکه نیازمند بازگشت به فهم جامعه، پذیرش تکثر، شنیدن صداهای مختلف و عبور از نگاه صرفا جناحی است. شاید مسئله اصلی امروز صدواسیما، نه کمبود بودجه و امکانات، بلکه کمبود درک اجتماعی باشد. و شاید امروز بیش از هر زمان دیگری، این سازمان نه به مدبری برای اداره ساختمان‌ها، بلکه به مدبری برای فهم جامعه نیاز داشته باشد؛ مدیر معمار فرهنگی.

۹	۴	۱			۲
۴	۶		۸	۳	
۳		۵		۹	
	۲	۷	۳		
		۸			
	۵	۴	۶		
	۶		۹	۱	
		۱	۷		۳

۴	۵			۲	
۸	۱	۸		۴	۹
۳	۷		۹	۱	۶
	۸		۴	۷	
	۱		۶		۸
۲	۸	۷			۱
۶	۷		۹	۴	۳
	۲	۳		۸	۹
		۴		۱	۲

۴	۹	۶	۷	۳	۱	۵			
۲	۸	۱	۴	۶	۳	۷	۵	۹	۱
۳	۶	۷	۵	۴	۹	۱	۸	۲	
۸	۴	۹	۱	۲	۶	۵	۳		۴
۱	۳	۷	۶	۴	۳	۵	۷	۹	
۵	۲	۶	۷	۸	۴	۱			۳
۴	۳	۶	۸	۵	۹	۱	۷		
۹	۵	۱	۴	۳	۷	۲	۶	۸	
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۴	۳	۵	

۴	۹	۶	۷	۳	۱	۵			
۲	۸	۱	۴	۶	۳	۷	۵	۹	۱
۳	۶	۷	۵	۴	۹	۱	۸	۲	
۸	۴	۹	۱	۲	۶	۵	۳		۴
۱	۳	۷	۶	۴	۳	۵	۷	۹	
۵	۲	۶	۷	۸	۴	۱			۳
۴	۳	۶	۸	۵	۹	۱	۷		
۹	۵	۱	۴	۳	۷	۲	۶	۸	
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۴	۳	۵	

### حل جدول ۵۳۲۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴